

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

در مسئله هفتم بحث حول این مطلب بود که در تحقق اقامت، نیت عدم خروج از شهر لازم است یا خیر؟! یعنی برای تحقق قصد اقامت لازم است نیت داشته باشد که از شهر، توابع شهر، حد ترخص و حد مسافت خارج نشود و اگر چنین نیتی داشت اقامه محقق نمی شود یا خیر؟!

عدم خروج از حد مسافت در تحقق اقامت

مسلماناً در مورد شخصی که قصد اقامه در جایی دارد این مسئله مطرح است که نباید ولو برای دقایقی از حد مسافت خارج شود؛ چون نسبت به آن ادعای اجماع و عدم الخلاف وجود دارد و در نتیجه این مسئله مضر به قصد اقامه می باشد. البته مرحوم آقای خوئی (ره) می فرماید: برخی احتمال داده اند که خروج از حد مسافت ضرر به قصد اقامه نمی زند.

خبر مُحَمَّد بنِ إِبْرَاهِيمَ الحُصَيْنِي

برخی برای مانع نبودن خروج از حد مسافت به یک روایت استناد نموده اند:

«و بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْحُصَيْنِيِّ قَالَ: اسْتَأْمَرْتُ أَبَا جَعْفَرٍ فِي الْإِتْمَامِ وَ التَّقْصِيرِ - قَالَ إِذَا دَخَلْتَ الْحَرَمَيْنِ - فَأَنْوَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ وَ أَتَمَّ الصَّلَاةَ - فَقُلْتُ لَهُ إِنِّي أَقْدَمُ مَكَّةَ - قَبْلَ التَّرْوِيَةِ بِيَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةٍ - قَالَ أَنْوَ مَقَامَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ وَ أَتَمَّ الصَّلَاةَ.»^[1]

راوی که بنا بر نقل مرحوم شیخ طوسی (ره) از اصحاب امام جواد (علیه السلام) است^[2] از ایشان در مورد تمام یا قصر خواندن نماز درخواست مشورت نموده است. ایشان می فرمایند: زمانی که داخل در حرمین شدی نیت ده روز نما و نماز را تمام بخوان.

سائل در ادامه می گوید: اگر یک، دو و یا سه روز قبل از تروییه وارد مکه شدم حکم چیست؟ حضرت می فرمایند: نیت اقامه ی عشرة ایام نما و تمام بخوان.

بحث در این است که حکم امام (علیه السلام) یعنی نیت اقامه عشرة ایام در مورد سائل که سه روز قبل از تروییه و یک روز قبل از عرفات وارد مکه می شود و بعد از سه روز یعنی در یوم التروییه برای رفتن به عرفات، مشعر و منی از مکه بیرون می رود و فاصله ی میان مکه و عرفات در آن زمان به حد مسافت بوده است، چگونه امکان دارد؟ در حالی که سائل علم دارد از محل اقامه

و حدّ مسافت خارج شود.

بررسی سند روایت

در بعضی از نسخه‌ها الحزینی نیز ذکر شده‌است اما در اکثر نقل‌ها الحزینی وجود دارد. مرحوم آقای خوئی (ره) می‌فرماید: سند این روایت ضعیف است.^[3] مرحوم صاحب جواهر (ره) نسبت به نقل این روایت می‌فرماید: خبر محمد بن ابراهیم الحزینی که اشعار به عدم اعتبار سند روایت دارد.^[4]

در مقابل مرحوم کشی (ره) روایتی را نقل می‌کند که در آن برادر ابراهیم یعنی حمدان الحزینی به امام جواد(علیه‌السلام) عرض نمود برادر من فوت کرده‌است. حضرت فرمودند: خداوند متعال برادرت را رحمت کند. تا اینجا مطلبی دلالت بر توثیق وجود ندارد چون ترجم دلالت بر توثیق ندارد.

در ادامه حضرت فرمودند: محمد بن ابراهیم از خاص الخاص شیعیان من بوده‌است که خصیص مبالغه‌ی در خاص بودن است. ظاهراً امکان ندارد شخصی خاص الخاص باشد اما مورد وثوق نباشد.

بله در سند روایت حمدان که برادر راوی محل بحث است وجود دارد و او توثیقی ندارد لذا شاید از این جهت بگوئیم برای اثبات وثاقت محمد نمی‌توان از این روایت بهره برد.

اما می‌توان گفت احمد بن محمد بن ابی نصر بزندی که در مورد او گفته‌اند «لا یروی و لا یرسل الا عن ثقة» در این روایت از برادر محمد بن ابراهیم نقل روایت نموده‌است، پس سند روایت مواجه با مشکل نیست.^[5]

بررسی دلالت روایت

در مورد این روایت در کلمات چند احتمال مطرح شده‌است:

احتمال اول: مرحوم شیخ طوسی (ره) در تهذیب نسبت به سند خدش‌های نداشته و می‌فرماید: از آن‌جا که روایت برخلاف قاعده است و در خلاف قاعده باید بر قدر متیقن اکتفا شود باید گفت روایت از اختصاصات مکه است و نسبت به سایر اماکن قابلیت جریان ندارد.

احتمال دوم: با این فرض که فاصله حوالی مکه تا مکه به اندازه حد مسافت نبوده‌است، این شخص از ابتدا قصد داشته‌است در مکه و حوالی آن اقامه داشته باشد.

احتمال سوم: مرحوم صاحب حدائق (ره) احتمال مذکور در کلام مرحوم شیخ طوسی (ره) را بعیده دانسته و می‌فرماید: در زمان ائمه (علیهم‌السلام) میان شیعه و سنی در قصر یا اتمام خواندن نماز در حریم اختلاف وجود داشته‌است. لذا سائل چنین سؤال از امام (علیه‌السلام) پرسیده و در صدد بوده‌است تا از جانب حضرت ترخیصی صادر شود تا او بتواند بدون نیت اقامه نماز را تمام بخواند.

شاهد مرحوم صاحب حدائق (ره) این است که در روایتی دیگر زمانی که امام (علیه‌السلام) ملاحظه فرمودند که شخص مایل است در حریم نماز را تمام بخواند به او فرمودند می‌توانی نماز را تمام بخوانی. اما در این روایت امام (علیه‌السلام) می‌فرمایند:

اگر می‌خواهی نماز را تمام بخوانی باید نیت اقامه داشته باشی.^[6]

به نظر ما این احتمال خیلی خلاف ظاهر است چون طبق این احتمال امام (علیه‌السلام) باید می‌فرمودند: به محض این‌که وارد مکه شدی باید نیت اقامت ده روز را انجام بدهی.

احتمال چهارم: در برخی کلمات بیان شده که مقصود امام (علیه‌السلام) این است که این شخص بعد از رجوع از عرفات نیت اقامه عشرة ایام داشته باشد و نماز را تمام بخواند.^[7]

جمع‌بندی خبر مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْحَصِينِي

در رابطه با روایت مذکور اگر سند را نپذیرفتیم که باید آن را کنار بگذاریم. اما اگر سند روایت را پذیرفتیم باید یکی از احتمالات ذکر شده را أخذ نمائیم تا روایت با این قاعده کلی که در صورت اقامت نمی‌توان از حد مسافت ولو مدت بسیار کوتاه خارج شد، تنافی نداشته باشد.

اما اگر توجیهات مذکور را نتوانستیم قبول کنیم در نهایت باید بگوئیم روایت مورد اعراض مشهور بلکه تمامی فقهاء واقع شده است.

البته بحث از قادح بودن اعراض مشهور در مورد روایت محل بحث مطرح نمی‌شود چون این بحث در جایی است که چند نفر نسبت به آن روایت فتوی داده باشند و دوران میان شاذ و مشهور باشد. در این موارد مرحوم آقای خوئی (ره) می‌فرماید: اعراض مشهور قادح نیست اما به نظر ما و به تبع مشهور این اعراض قادح است.

اما در مورد خبر محمد بن ابراهیم الحصینی علماء بالاتفاق از آن اعراض نموده‌اند؛ پس نتیجه می‌گیریم که حتما قرینه‌ای برای عدم أخذ به این روایت نزد علماء وجود داشته‌است. کما این‌که در مورد بلوغ دختر در 13 سالگی یک روایت داریم اما مشهور قریب به اتفاق از آن اعراض نموده‌اند.

خروج از محل اقامت تا مادون مسافت

در مورد خروج تا مادون مسافت به صورت کلی دو مطلب وجود دارد:

مطلب اول: مسلماً اگر شخصی در هنگام قصد اقامت از ابتدا نیت نداشت که محل اقامت خارج شود اما پس از خواندن نمازی کامل به جهتی لازم شد از شهر خارج شود و تا مادون مسافت برود و برگردد ولو صبح برود و عصر برگردد، مانعی ندارد.

در صحیحہ ابی ولاد حضرت در این باره می‌فرمایند: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ الْحَنَاطِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِتِي كُنْتُ نَوَيْتُ حِينَ دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ - أَنْ أَقِيمَ بِهَا عَشْرَةَ أَيَّامٍ وَ أَتِمَّ (الصَّلَاةَ ثُمَّ بَدَأَ لِي بَعْدَ أَنْ أَقِيمَ بِهَا) - فَمَا تَرَى لِي أَتِمُّ أَمْ أَقْصِرُ فَقَالَ إِنْ كُنْتَ دَخَلْتَ الْمَدِينَةَ - وَ صَلَّيْتَ بِهَا فَرِيضَةً وَاحِدَةً بِتَمَامٍ فَلَيْسَ لَكَ أَنْ تُقْصِرَ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْهَا وَ إِنْ كُنْتَ حِينَ دَخَلْتَهَا عَلَى نَيْتِكَ التَّمَامَ فَلَمْ تُصَلِّ فِيهَا صَلَاةً فَرِيضَةً وَاحِدَةً بِتَمَامٍ حَتَّى بَدَأَ لَكَ أَنْ لَا تُقِيمَ فَأَنْتَ فِي تِلْكَ الْحَالِ بِالْخِيَارِ إِنْ شِئْتَ فَأَنْوِ الْمَقَامَ عَشْرًا وَ أَتِمَّ وَ إِنْ لَمْ تَنْوِ الْمَقَامَ فَقْصِرْ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ شَهْرٍ فَإِذَا مَضَى لَكَ شَهْرٌ فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ.»^[8] یعنی مادامی که شخص از شهر خارج نشده‌است نماز را باید تمام بخواند.

مطلب دوم: محل نزاع در مورد معیار تردد تا مادون مسافت و حد ترخص در این است که شخص در هنگام قصد اقامت نیت دارد تا مادون مسافت یا حد ترخص، یک یا چند بار برود و برگردد. در این مسئله چند قول مطرح است:

قول اول: مرحوم فاضل تونی (ره) : قصد اقامه در صورتی صحیح است که شخص نیت داشته باشد از دیوار شهر در صورتی که شهر دیوار دارد و اگر ندارد از آخرین خانه‌های شهر خارج نشود؛ چون مبدأ مسافت و سفر شرعی از دیوار شهر و قبل از حد ترخص آغاز می‌شود. پس شخصی که قصد اقامه دارد باید نیت عدم خروج از دیوار شهر را داشته باشد.

قول دوم: شخصی که نیت اقامه دارد می‌تواند تا حد ترخص برود؛ چون در سفر شرعی مسافر بعد از این که از حد ترخص خارج شد می‌تواند نماز را قصر بخواند و همچنین شخص تا زمانی که به حد ترخص وطن نرسیده نمی‌تواند نماز را کامل بخواند.

به بیان دیگر از آن جا که ملاک برای قصر و اتمام خروج از حد ترخص و ورود به حد ترخص است، پس در مسئله محل بحث نیز می‌گوئیم ملاک برای اقامه خروج و ورود می‌باشد.

قول سوم: اگر مبدأ مسافت دیوار بلد یا مبدأ قصر و اتمام حد ترخص باشد، دلیلی ندارد که معیار در اقامه نیز این دو ملاک باشد، بلکه باید به روایات این مسئله رجوع نمائیم که در آن فرموده‌اند: «إِنُّوْ مُقَامَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ» و باید دید اقامه به چه معنا است؟!

کلام مرحوم خوئی (ره)

مرحوم خوئی (ره) در این بحث می‌فرماید: برای اقامه دو تفسیر وجود دارد:

تفسیر اول: اقامه به معنای «إقامة الرحل» است؛ یعنی محلی که مسافر بار و اثاث خود را در آن جا قرار می‌دهد. طبق این تفسیر اگر شخص هر روز صبح از محل اقامت خارج شده و تا مادون مسافت برود و عصر برگردد مانعی ندارد، برای این که محل اقامه او جایی است که وسائش در آن جا باشد.

تفسیر دوم: اقامه به معنای محل اقامت مسافر و خود شخص است که قصد دارد در آن محل ده روز بماند. طبق این احتمال مسافر نمی‌تواند تا مادون مسافت حتی برای دقائق کم برود و برگردد بلکه باید در همان شهر، حوالی و توابع آن باشد.

مرحوم آقای خوئی (ره) در ادامه می‌فرماید: تفسیر اول به این جهت که مخالف متفاهم عرف می‌باشد صحیح نیست؛ چون عرف در مورد مسئله اقامه، رحل و اثاث را مطرح نمی‌کند و چه بسا مسافری که رحل و اثاث نداشته باشد.

اما تفسیر دوم ولو متفاهم عرف است اما با جمود بر لفظ آن لازم می‌آید شخص نتواند حتی برای مدت بسیار کوتاه از شهر، حوالی و توابع آن نتواند خارج شود. لذا باید عادت مردم در باب اقامه را به آن ضمیمه نموده و بگوئیم روال عرف در اقامه این است که عادتاً از محل اقامه به اطراف رفته و حتی از حد ترخص خارج شده و منحصرأ در محل اقامه باقی نمی‌مانند.

اما مقدار زمان خروج به اندازه یک یا دو ساعت است. در نتیجه عرف این مقدار خروج از محل اقامه را مضر به اقامت نمی‌داند و در آن مسامحه می‌کند.^[9]

و صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِیْنَ

[1] وسائل الشيعة، ج8، ص: 528.

[2] رجال الطوسي ص : 377.

[3] معجم رجال الحديث ج : 14 ص : 225.

[4] جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج14، ص: 309.

[5] «في محمد بن إبراهيم الحضيبي الأهوازي: ابن مسعود قال حدثني حمدان بن أحمد القلانسي قال حدثني معاوية بن حكيم عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن حمدان الحضيبي قال قلت لأبي جعفر (عليه السلام) إن أخي مات فقال لي رحم الله أخاك فإنه كان من خصيص شيعتي. قال محمد بن مسعود حمدان بن أحمد من الخصيص؟ قال الخاصة الخاصة.» رجال الكشي ص : 563.

[6] «و أجيب عنه بالتزام ذلك و انه من خصائص هذا المكان كما ذكره الشيخ و من تبعه. و بعده ظاهر. و الأظهر عندي في الجواب هو انه لما كان الاختلاف في التقصير في هذا المكان يومئذ موجودا كما حققناه آنفا استأمره السائل في ذلك و سأله عن الحكم المذكور فأمره بالإتمام بعد نية الإقامة فرجع السائل و أخبره و انه ربما قدم في مدة لا يمكن فيها الإقامة لضيق الوقت عن الحج، و يظهر من مراجعته ان مراده ان يرخص له في التمام من غير نية إقامة كما وقع في حديث علي بن حديد الآتي من قوله «و كان محبتي أن يأمرني بالإتمام». فأجابه عليه السلام بأن الإتمام لا يكون إلا بعد نية الإقامة و حاصله بيان تعليق الإتمام على نية الإقامة لا ان مراده عليه السلام الأمر بالإقامة و الإتمام على تلك الحال كما فهموه. و بالجملة فهذه العبارة مثل قوله عليه السلام في حديث علي بن حديد «لا يكون الإتمام إلا أن تجمع على إقامة عشرة أيام» إلا ان هذه جملة في ذلك و حملها على ما ذكرناه لا بعد فيه.» الحقائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج11، ص: 447 و 448.

[7] «في تمكنه من نية الإقامة في المسألة الثانية إشكال لأنه لا بد له من الخروج إلى عرفات قبل مضي العشرة أيام و ما في التهذيبين من رفع الإشكال كما يأتي أشد إشكالا» الوافي، ج7، ص: 188.

[8] وسائل الشيعة، ج8، ص: 508 و 509.

[9] «هل يعتبر في صدق الإقامة في البلد بعد البناء على اعتبار الوحدة المكانية في محل الإقامة كما سبق قصد عدم التجاوز عن خطة السور فيما له سور أو عن آخر البيوت فيما لا سور له، فيلزمه المكث في نفس البلد بحيث يضره أدنى الخروج و لو قليلاً كما عن بعضهم، أو أنه لا يعتبر المداقة في ذلك فلا مانع من قصده حال نية الإقامة الخروج إلى بعض نواحي البلد و ضواحيه من بساطينه و مزارعه و نحو ذلك مما لا ينافي صدق اسم الإقامة في البلد عرفاً بل لا يضره الخروج إلى حدّ الترخّص، بل ما دون المسافة إذا كان قاصداً للعود عن قريب، كما لو خرج في النهار و رجع قبل الليل كما ذكره في المتن؛ الظاهر ابتناء المسألة على تفسير لفظ الإقامة الوارد في أخبار الباب كما ذكره غير واحد، فان فسّر بكون المحلّ محطاً لرحله لم يضره الخروج حتّى إلى ما دون المسافة في تمام النهار فضلاً عن بعضه، إذ بالأخرة يكون مرجعه و مبيته نفس البلد الذي هو محط للرحل و محلّ للإقامة. و إن فسّر بما هو ظاهر اللفظ بحسب المتفاهم العرفي من كونه محلاً لإقامة المسافر نفسه لا لرحله، إذ ربما لا يكون له رحل أصلاً، فحينئذ يضره أدنى الخروج و إن كان قليلاً...» موسوعة الإمام الخوئي، ج20، ص: 269 و 270.